

مصاحبه مهندس بازرگان با مخبر تلویزیون بلژیک

تا هنگامیکه شاه در این مملکت هست ایران روی آزادی را نخواهد دید

شخصی که ملاحظه میکنید مهندس مهدی بازرگان نام دارد. وی رهبر نهضت آزادی ایران است و برای اولین بار است که در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کرده است. بازرگان بعد از پایان تحصیلاتش در مدرسه سانترال پاریس، در دانشکده فنی ترمودینامیک تدریس میکرد و در آنجا به مقام ریاست نیز رسید. در سال ۱۹۵۱ مهدی بازرگان اولین رییس شرکت نفت ملی شده ایران شد. بعد از چندین بار که بزندان افتاد در سال ۱۹۶۱ به ده سال زندان محکوم گردید که بعد از ۵ سال آزاد شد وی اکنون در تهران زندگی میکند و از تمام مسوولیت های دانشگاهی بر کنار شده است (مخبر تلویزیون بلژیک). آقای مهندس بازرگان در یک مصاحبه با مخبر تلویزیون بلژیک در تاریخ ۲۳ می ۷۸ مطالب زیر را برای اطلاع افکار عمومی جهانیان اعلام داشته اند. هر بخشی از مطالب زیر در قسمتی از یک فیلم که جمعاً در حدود ۴۵ دقیقه بود آمده بود که ما بترتیب شماره بندی آورده ایم.

۱ - مطابق سنت ایرانیان بستن بازار به عنوان اعتصاب عمومی تلقی میشود و همیشه نیز معنای سیاسی بسیار مهمی را در بر دارد.

۲ - شرکت عمومی در اظهار نظر و بستن تمام بازارها در تهران و بیش از ۴۰ شهر ایران یک امر بسیار عظیم و برای نخستین بار در تاریخ ایران یک حادثه عظیم و بی سابقه بوده است. در واقع این امر بصورت یک فراندوم ملی بود که البته از جانب مردم بطور خود جوشی و طبیعی انجام یافت، فراندومی که میتوان آنرا بعنوان حکم محکومیت اکثریت عظیمی از مردم کشور علیه رژیم شاه و اداره مملکت دانست.

سیوال: روحیه کنونی نسل جوان در چه وضعی است؟

۳ - جواب: نسل جوان و بخصوص دانشجویان ایرانی در داخل و خارج از کشور از اظهار تنفر علیه رژیم ترور و وحشت، خیانت و دروغجویی شاه بازنایستاده اند و همین نسل جوان است که در معرض شدیدترین آزارها و شکنجه ها و انتقام جوییهای پلیس قرار دارد. گشتی های پلیس با کلاهخود، غالباً دانشگاههای ما را بازرسی میکنند و بطور دایم در مقرهای کماندویی پلیس و یا در اثر تظاهرات و امور دیگر پیش می آید تعطیل میگردد. در حال حاضر استادان دانشگاهها که غالباً جوان هستند از غربال ساواک و وزارت علوم و آموزش و پرورش رد شده و بدین ترتیب انتخاب شده اند. اینان در زیر کنترل دایمی قرار دارند تا نتوانند در کار خود از حدود تعیین شده تجاوز کنند. همه استادان قدیمی که متعلق به رژیم کم و بیش لیبرال بودند چون مستقل بوده و مورد احترام دانشجویان قرار داشتند نه تنها از دانشگاه بلکه از عرصه هر گونه فعالیتهای تعلیماتی طرد شده اند، در واقع در حال

حاضر میان هیات آموزشی و اداری دانشگاه از یکسو و دانشجویان دانشگاه از سوی دیگر هیچگونه تفاهم و روابط دوستانه وجود ندارد نتیجه نسل جوان که از یکطرف زیر سلطه قهر و خشونت و رفتارهای وحشیانه حکومت قرار گرفته اند، از طرف دیگر از هر گونه پشتیبانی و اگر جرات کنم که بگویم از هر گونه جهت یابی اخلاقی و سیاسی محروم اند ناگزیر شدند یکی از دو راه را برگزینند یا بطرف غفلت کاری غیر اخلاقی بگرایند و یا خشونت و مبارزه مسلحانه رو نمایند یعنی نوعی عکس العمل های شدید.

۴- شاهنشاه (!) در یکی از مصاحبه های اخیر خود با روزنامه نگاران آلمانی گفته است که هم اوست که هر زمانی که بنظرش مناسب میآید به ملت خود آزادی میدهد و هرگاه هم که لازم ببیند آنرا پس میگیرد. شاه اصرار دارد که همه چیز از او ناشی میشود، و همه چیز بوی تعلق دارد هم اوست که مبدا و منشا، همه چیز است. هر گونه قدرت و فکر و ابتکار و هر گونه اعتقاد و هرگونه مذهبی بایستی زیر فرمان او باشد. چند سال پیش استادان اصفهان، که فکر میکنم

استاندار اصفهان بود، در یکی از جلسات حزب واحد رستاخیز در مقام تجلیل و صحبت از شاه وی را شخص اول مملکت نامیده بود. آقای هویدا که در آن زمان نخست وزیر بود بلافاصله ویرا سرزنش کرد و گفت که: «مواظب باشید و شخص اول مملکت نگویید در مملکت یک شخص بیشتر وجود ندارد و همه ما نوکران و چاکران وی هستیم.» ملاحظه میفرمایید که آقای هویدا آنچه را که شاه میخواست خوب فهمیده است و از روی اتفاق و تصادف نبود که هویدا سیزده سال نخست وزیر و اولین دبیر کل حزب واحد رستاخیز بود که البته خود شاه وی را مقام دبیرکلی نصب کرده بود. همه میدانند که مخالفین کنونی مرکب اند از ملیون و آزادیخواهان و مذهبیون مسلمان. این مخالفان همیشه از اتحاد با احزاب کمونیستی و مارکسیستی سرباز زده و باز هم سرباز میزنند. علاوه بر این شما میدانید که جنبش مردمی در مرحله جدید خود خصوصاً توسط روحانیون شیعه رهبری میشود که بطور سنتی و عمیقاً مخالف ماتریالیسم هستند. آنچه را باید من اضافه کنم این است که توده مسلمان از رؤسای مذهبی خود با کمال میل پیروی میکنند خصوصاً اگر این رؤسا علیه رژیم که مورد تنفر مردم است موضع بسیار سخت و محکم داشته باشند. مسلماً میدانید که در اسلام میان دین و سیاست و یا میان ایمان و اجتماع جدایی وجود ندارد. شیعه خصوصاً ضد خلفا، است و از آغاز کار در معرض بسیاری از خشونت های اجتماعی قرار گرفته و مدافع پر شور حق و عدالت بوده و حاوی عناصر لازم برای شورش و عصیان و مقاومت در برابر رژیم های استبدادی نظیر رژیم کنونی ما میباشد. بنابراین تعجب آور نیست که جنبش ملی شدن صنعت نفت برهبری دکتر مصدق دارای جنبه قوی اسلامی بود و قبل از آن نیز در هفتاد سال پیش انقلاب مشروطیت ایران را رؤسای مذهبی آغاز و هدایت کردند.

سیوال: مایلید در باره جنبه سیاسی جنبش خود سخن بگویید؟

جواب: با توجه به شرایط بسیار محدود و مضیقتهای که از لحاظ آزادی وجود دارد مخالفین وقت کافی و لازم اولاً برای متشکل شدن و ثانیاً برای تدوین و بیان بیانات خود نداشته اند. با این همه برخی نکات مسلم و مشترک برای همه وجود دارد.

الف - چیزی که همه خواستاران هستند آزادیهای دموکراتیک ابتدایی است از قبیل آزادی بیان، آزادی مطبوعات و اجتماعات و البته با تمرین لازم.

ب - احترام و اجرای کامل و صادقانه (درباره ایندو نکته کامل و صادقانه پافشاری میکنند) قوانین اساسی کشور، علاوه بر اینها نکته ای که مسلم هست اینست که مخالفین و افکار عمومی تقریباً بطور عام رژیم، و شاه را که رییس آن است، محکوم میکنند. این رژیم واقعا برای کشور غیرقابل تحمل شده است و این خود شاه است که با استبداد و کشت و کشتار و نیز با سیاست نامطلوب خود در اداره امور کلیه طبقات را علیه خود برانگیخته است. در این معنی خود وی در واقع با سوق دادن طبقات مختلف از نسل جوان گرفته تا روحانیون علیه سیاست خود لیدر مخالفین است (اشاره بیکی از مصاحبات شاه با مخبرین خارجی، که خود را رهبر مخالفین خوانده بود. توضیح از پ. م)

سیوال: بنابر این بنظر شما بین رژیم فعلی و آزادی سازگاری وجود ندارد؟

جواب: کاملاً همین طور است. بایستی یکی از ایندو فدای دیگری شود. یکی از این دو باید خود را فدای دیگری کند تا هنگامیکه اعلیحضرت در این مملکت هست ایران روی آزادی را نخواهد دید.

اول اردیبهشت ۱۳۵۷